

تاریخ مختصر موسیقی ایران

در غالب کتب مربوط بفن موسیقی که بزبان فارسی و یا عربی نوشته شده است اختراع این علم را به فیثاغورث یونانی نسبت داده اند ، همچنین در مزامیر ایجاد این فن را بداوود پیغمبر و بخصوص اختراع ذوات النفع یا سازهای بادی را به بنی اسرائیل نسبت میدهند .

اکتشافات جدید و حفریات تازه نیز اختراع این فن را به بعضی ملل دیگر مانند مصریها ، سومیریها ، انشانیها و آشوریها نسبت داده و بالاخره امروز همچنانکه رسم و شیوه غالب ملل است که ایجاد اولین پایه های تمدن دنیا را بخود نسبت دهند ، هر قومی تا جائیکه می تواند گفته های درست یا نادرست خود را با کسب اطلاعات غلط و دروغ اراسته و برای کسب افتخار میکوشد تا اختراع يك فن و یا پایه ای از تمدن بشر را بخود نسبت دهد مثلاً در ۱۹۴۱ میلادی یعنی ۹ سال قبل ودیع صبرامدیر کنسر و اتوار ملی لبنان رساله ای بنام «الموسیقی العربیه هی اصل الفن الموسیقی الغربی»

منتشر کرده و افتخار اختراع موسیقی و کشف گام فیزیکی و هارمونی را بعربها نسبت داده است و ممکن است این موضوع از نظر خوانندگان محترم اهمیتی نداشته باشد ولی از نظر موسیقی قابل انتقاد است .

نویسنده کتاب مزبور برای اثبات ادعای خویش بنوشته های فارابی و صفی الدین ارموی توسل جسته و کساینرا که زائیده ایران و از بزرگترین دانشمندان این سرزمین می باشند بسبب اینکه بیشتر انتشارات خود را بر اثر نفوذ سیاسی و مذهبی عرب بزبان عربی نوشته اند جزو دانشمندان و افتخارات عرب نام برده است .

بدون تردید از اینگونه مطالب در کتب خارجی فراوان است و تاموقعی

که ملت ایران متوجه این قبیل سرمایه‌های مادی و معنوی خود نمیباشد دیگران همچنان استفاده میکنند و عجب تر اینکه با این قبیل دزدیهای آشکار افتخاری هم برای خویش قائل اند!

در اینجا هر گاه بخواهیم عقیده خویش را در باره تمدن و ملل متمدن بیان کرده اضافه کنیم که این قبیل مسائل را بچه ترتیب می‌توان درك و كشف کرد از موضوع اصلی منحرف میگردیم.

ولی بطور کلی بکسانیکه برای تمدن یونان قدیم و عرب اهمیت قائل می‌باشند یاد آور می‌شویم که تمدن یونان قدیم کاملاً اکتسابی است و تمدن عرب را نیز اولاً از دوره جاهلیت و ثانیاً از طرز زندگی امروزی آنها میتوان بخوبی پی برد که چه بوده و چه شده‌اند؟

بعقیده اینجانب بزرگترین علت پیشرفت هر ملتی در راه علم و هنر دو چیز است: یکی محیط جغرافیائی و دیگری استعداد افرادی که در آن محیط زندگی می‌کنند و اگر بایک نظر سطحی یونان و عربستان بنگریم میبینیم که اولاً از لحاظ محیط جغرافیائی و ثانیاً از نظر طرز فکر مردم، ممکن نبوده‌است که بتوانند تمدنی عالی داشته باشند چه ملتی که هم‌نوع خود را خرید و فروش کرده و در دریا و خشکی بقتل و غارت هم میهنان خویش اقدام و از همه بدتر خود از سنگ یا چوب مجسمه‌ای را ساخته و بآن تعظیم کند، هیچگاه قادر مایجاد دیک تمدن عالی نخواهد بود.

ذکر مطالب فوق نه از این لحاظ است که خواسته باشیم ایجاد موسیقی را بایرانیها نسبت دهیم بلکه میخواهیم مدعی شویم که متأسفانه یونان و بادیگر ممالک نیز نمیتوان آنرا نسبت داد چه موسیقی یکی از هنرهای زیباست که حتی قبل از پیدایش بشر بصورت وزش باد، حرکت برگ درختان، ریزش آب جویبار و آبخار، و بالاخره آهنگ مرغان خوش صدا وجود داشته

است و سپس بر اثر ذوق فطری میل طبیعی انسان به تقلید نغمه ها و اصوات طبیعت ابتدائاً بوسیله حنجره و سپس در نتیجه کوشش، افراد با استعداد از این اصوات استفاده کرده و آلات گوناگون موسیقی را بوجود آورده اند.

موسیقی در دوره قبل از اسلام - راجع بتاریخ موسیقی ایران قبل از اسلام متأسفانه منابع زیادی در دست نیست و اطلاعات مختصری که هست، یا متعلق به مورخین خارجی و یا در کتبی است که دسترسی بدان مشکل و گاهی غیر ممکن میباشد و در واقع اگر بخواهند که تاریخ مفصلی برای موسیقی ایران نوشته شود باید کلیه کتابهای تاریخی، ادبی و موسیقی را از قدیم و جدید و داخل و خارج مطالعه کرده و از مجوع مطالب آن کتابی تألیف نمود، ولی اینکار نیز میسر نمیشد زیرا صرف نظر از کتاب اغانی تألیف ابوالفرج اصفهانی که آنهم تنها بعنوان تاریخ موسیقی نوشته نشده و بعلاوه راجع بدوره محدودی است، در سایر کتابها بیشتر بمطالب فنی اشاره شده که از موضوع بحث ما خارج است. بعلاوه قسمتی از تاریخ موسیقی ایران قبل از اسلام مانند تاریخ سیاسی آن تاریخ است، مثلاً از دوره اشکانیان بهیچوجه اطلاعی نداریم و بهمین جهت تاریخ موسیقی قبل از اسلام را بدو دوره هخامنشی و ساسانیان تقسیم می کنیم:

۱- دوره هخامنشی - بطور کلی موسیقی ایران در دوره قبل از اسلام یک نوع موسیقی عملی بوده بدین معنی که نوازندگان در صد جستجوی قواعد ارتباط اصوات و الحان نبوده اند چنانکه، باربد بزرگترین موسیقی دان دوره ساسانی را همه بنام یک نوازنده معرفی کرده اند و قطعاتی هم که ساخته است دلیل بر این نیست که از نظر علمی در موسیقی وارد بوده است زیرا امروز هم در کشور ما بسیاری از نوازندگان قطعاتی می سازند در حالیکه بهیچوجه از اصول و قواعد علمی موسیقی اطلاعی ندارند.

از موسیقی این دوره جز اشاراتی که هرودت (Herodotus) (۴۸۴ تا ۴۰۶ ق م) و گزنوفن (Xenophon) (۴۳۵ تا ۳۵۵ ق م) در کتابهای خویش کرده اند

مطلب دیگری در دست نداریم ولی نباید فراموش کرد که ملت ایران در آن موقع بزرگترین رقیب یونان بوده و از لحاظ تمدن بر کلیه اقوام آنروز برتری داشته است ، بعلاوه حجاریهای این دوره خود بهترین دلیل بر ذوق و استعداد ایرانیها در پیشرفت کلیه صنایع مستظرفه میباشد و بدون شك هر شخص وارد و صاحب نظری با دیدن تخت جمشید و حجاریهای آن هزاران قطعات موسیقی در مغزش خطوط میگذرد. هر وقت مینویسد ، ایرانیان برای تقدیم نذر و قربانی بخدا و مقدسات خود مذبح ندارند ، آتش مقدس روشن نمیکنند ، بر قبور شراب نمیپاشند ولی یکی از موبدان حاضر میشود و یکی از سرودهای مقدس مذهبی را میخواند ،

از مطلب فوق معلوم می شود که ایرانیان دوره هخامنشی موسیقی مخصوصی برای تشریفات مذهبی داشته اند و شاید سرودی را که هرودت بدان اشاره میکند از سرودهای اوستا باشد .

گزنوفن در کتابی که راجع به خصال کورش نوشته است میگوید :
 « کورش هنگام حمله به ارتش آشور بنا بر عادت خود سرودی آغاز کرد که سپاهیان با صدائی بلند و با احترام و ادب فراوان دنبال آنرا بخواندند و چون سرود پایان رسید آزاد مردان با قدمهای مساوی و با نظم تمام براه افتادند ، در جای دیگر میگوید :

« کورش برای حرکت سپاه ، چنین دستور داد که صدای شیپور علامت حرکت و عزیمت خواهد بود ، و همینکه صدای شیپور بلند شد باید همه سربازان حاضر باشند و حرکت کنند ،

همچنین در جای دیگر مینویسد :

« در نیمه شب که صدای شیپور عزیمت و رحیل بلند شد ، کورش سردار سپاه را فرمان داد تا با همراهان خود در جلو صفوف منظم سپاهیان قرار گیرد ، بعد کورش میگوید . همین که من بمحل مقصود رسیدم و حملات دو سپاه نزدیک شد

سرود جنگی را میخوانم و شما بی درنگ جواب مرا بدهید، در موقع حمله چنانکه گفته بود کورش سرود جنگ را آغاز کرد و سپاه همگی با وی هم آواز شدند. از مطالب فوق بخوبی معلوم میشود که ایرانیان قدیم يك قسم موسیقی مخصوص برای جنگ داشته اند که در تحریک احساسات سپاهیان مؤثر بوده و آلاتی هم از قبیل شیپور و طبل در این هنگام بکار میرفته و سرودهای رزمی در برانگیختن حس شجاعت و دلیری سربازان و کامیابی آنان در میدان نبرد وسیله خوبی بوده است، ولی موضوع مهم اینکه معلوم نیست آهنگ این سرودها بر چه پایه ای بوده و چه اشعاری را با آن میخوانده اند؟

همچنین از بیانات گزنوفن، معلوم میشود: همانطوریکه ایرانیان بموسیقی مخصوصی برای میدان جنگ داشته اند بیشک آتقدها بموسیقی آشنا بوده اند که در موقع فراغت و تفریح نیز موسیقی دیگری را بکار برند چنانکه در کتاب هرودت راجع به (نی) زیاد صحبت شده و کلمه آن تکرار گردیده است و میتوان دریافت که ایرانیها باین ساز علاقه مخصوص داشته اند.

راجع بوجود موسیقی مذهبی در این دوره، با اشاره ای که هرودت کرده مخصوصاً بانوجه باین نکته که قدیمترین قسمت کتاب اوستا شامل سرود ها و مناجات هائی است که در وقت عبادت با شریفات خاصی خوانده میشده شکی باقی نمی ماند. از نظر موسیقی گانها که قسمتی از کتاب یسنا می باشد قدیمترین قسمت اوستا و شامل سرود های مؤثری است و بی شك آهنگ های مخصوصی داشته، گانها در اواسط کتاب یسنا واقع شده و عبارت از هفده سرود مذهبی است. باینحال جای بسی تأسف است که تا کنون در هیچیک از حفاریها نوشته و یا نقش برجسته ای پیدا نشده که از روی آنها شکل آلات موسیقی و طرز نوختن آن معلوم شود و راه تتبع و فهم برای ما آسانتر گردد ولی امید است که اکتشافات جدید تاریخ این قسمت را برای ما روشن گرداند.

موسیقی در دوره ساسانیان - چنانکه قبلاً یاد آور شدیم بطور کلی موسیقی در دوره قبل از اسلام يك نوع موسیقی عملی بوده و متاسفانه بعلمت اینکه نوازندگان و سراینندگان کمتر در جستجوی قواعد ارتباط اصوات و الحان بوده اند جز نام آنها و اسامی پاره ای از نغمات اثر دیگری باقی نمانده است .

در دوره ساسانیان نظر باینکه غالب پادشاهان اهل علم و هنر بودند و به بسط و توسعه تمدن ایرانی علاقه فراوان داشتند، علوم و صنایع ترقی کرد و موسیقی نیز بر اثر ترغیب و تشویق آنها بیش از دوره اشکانیان (که متاسفانه هیچ اطلاعی در دست نیست) رواج و رونق گرفت .

در دوره اردشیر بابکان مردم بچندین طبقه تقسیم می شدند که از آن جمله موسیقی دانها بودند که طبقه خاصی را تشکیل میدادند و در نزد این پادشاه مقام ارجمندی داشتند .

بهرام گور بعلم و ادب، بخصوص موسیقی علاقه مفراطی داشت و چنانکه مورخین می نویسند وی دستور داد تا چهار صد نفر نوازنده و خواننده از هندوستان بایران آوردند، و در زمان او موسیقی دانها بر سایر طبقات مقدم بودند و پیوسته آنها را نوازش و احترام بسیار میکرد .

اوج ترقی موسیقی این دوره در زمان خسرو پرویز بوده و از نوازندگان این دوره نام باربد، نکیس و سرکش در شاهنامه فردوسی و خمسة نظامی و خسرو و شیرین مذکور است و اگر چه غالب حکایاتی که از آنها و بخصوص باربد نقل کرده اند بافسانه میماند ولی نظر باینکه سی لحن باربد در غالب قصائد و منظومات شعراء و فرهنگها مذکور و در دوره فردوسی و منوچهری و نظامی و قرنهای بعد از آن معمول و معروف بوده و حتی امروز هم بعضی از این الحان متداول است لذا میتوان مطمئن بود که حکایات و مطالب مندرج در کتب فوق افسانه محض نیست .

باربد موسیقی دان خاص خسرو پرویز بوده و معروف است که آواز

میصد و شصت لحن ساخته خویش سی لحن را انتخاب کرد و برای هر يك بمناسبت حوادث و وقایع زمان خویش و یا قبل از آن نامی گذاشت
حکیم نظامی سی لحن باربد را در اشعار خویش آورده است که قسمتی از آن بقرار زیر میباشد :

گزیده کردسی لحن خوش آواز	ز صد دستان که او را بود دمساز
زهربادی لبش گنجی نشاندی	چو باد از گنج باد آورد راندی
بهشت از باغها در باز کردی	چو تخت طاقدیسی ساز کردی
شدندی جمله آفاق شب خیز	هر آنشب کو گرفتی راه شب دیز
بر از خون سیاووشان شدی گوش	چو زخمه راندی از کین سیاوش
جهانرا کین ایرج نوشدی باز	چو کردی کین ایرج را سر آغاز
درخت نار را شیرین شدی بار ...	چو کردی باغ شیرین را شکر بار

در اشعار فوق اسامی گنج باد آورد، تخت طاقدیس، شب دیز، کین سیاوش ایرج و باغ شیرین هر يك نام لحنی است که بدون شك مقام خاصی را داشته است و چنانکه گفته شد، گرچه بعضی از نام های فوق امروز هم بین نوازندگان متداول است ولی متأسفانه بر اثر نبودن خط موسیقی بهیچوجه معلوم نیست که آهنگ های امروز همان الحان دوره ساسانی باشد :

موضوع دیگری که از اسماء فوق استنباط میگردد حزن و فرحی است که بی شك در مقامهای آندوره وجود داشته چه مثلاً بیگناه کشته شدن سیاوش بدست افراسیاب و کشته شدن ایرج پسر فریدون بدست برادران خود سلم و تور، مناسب عیش و شادی نیست بلکه استماع این نغمات که آن وقایع خونین را خاطر نشان می ساخت ناچار شنوندگان را تهییج کرده و بر سر غیرت و حمیت می آورده است .

بطوریکه در کتب مختلف نوشته اند بهر بد مخترع عده ای از نواها و آهنگ

هائی است که آنها را در حضور خسرو پرویز می نواخته است. وی سیصد و شصت لحن موسیقی برای روزهای سال ساخته و هر روز یکی از آنها را میزد تا خسرو از تکرار نعمات کسل و خسته نگردد.

مقام باربد در نزد خسرو پرویز باندازه ای بود که هر کس حاجتی داشت مطلب خود را بوسیله او بعرض میرسانید، از جمله داستان شب دیز است که اینطور نقل میکنند:

معروف است که خسرو پرویز بین اسبهای خود اسب سیاه باهوشی بنام شب دیز را بیشتر از همه دوست می داشت و چنان باین اسب علاقه مندی داشت که گفته بود هر کس خبر مرگ او را بر زبان راند مجازاتش اعدام می باشد.

شب دیز مردی کسی جرات اظهار آنرا بشاه نداشت، رئیس دواب ناچار از باربد درخواست نمود که او بوسیله آهنگی این خبر شوم را بشاه بفهماند. گویند باربد آهنگی ساخت که خسرو از شنیدن آن مرگ شب دیز را دریافت و فریاد بر آورد (شب دیز مرد؟) باربد پاسخ داد: آری شاهنشاه خبر آنرا داد؛ و بدین وسیله شاه را از عهد خود باز گردانید.

راجع به سی لحن باربد باید دانست، اسامی که نظامی در خسرو شیرین آورده، معلوم نیست که کلمه آن نعمات ساخته باربد باشد ولی چون نام اغلب آنها فارسی است و دیگران نیز همین نامها را قبل از او کم و بیش ذکر کرده اند لذا میتوان با حدس نزدیک بیقین گفت که این نعمات یادگار دوره ساسانی است، از قبیل گنج بادآور، آرایش خورشید، مشکدانه، نیمروز، رامش جان، نوشین باده، نوروز، شب دیز، کبک دری، کین خسروی، سبزه در سبزه، سروستان، ماه و غیره.

عده ای از مورخین و محققین ایرانی و اروپائی اسامی الحان قدیم موسیقی ایران را جمع آوری کرده و در اینکه کدامیک از آنها مربوط بدوره ساسانی

است مطالب زیادی نوشته‌اند، از جمله استاد دانشمند آقای اقبال در مجله کاوه مقاله‌ای نوشته‌اند که نام غالب نغمات موسیقی در آن ذکر شده است. غیر از نغمه‌های فوق‌الحدی را که ایشان جمع‌آوری کرده‌اند و متعلق بدوره ساسانی میدانند بقرار زیر است:

بالیزبان، سبزه بهار، باغ سیاوشان، راه گل، شادباد، تخت اردشیر، گنج سوخته، دل‌انگیزان، چکوک، خسروانی؛ نوروز بزرگ، نوروز کوچک، نوروز خارا، جامه‌دران، نهفت درغم، گلزار، روشن چراغ، گل‌نوش، زیرافکن که از میان این نغمات چکاوک، خسروانی، نوروز بزرگ، نوروز کوچک، نوروز خارا، جامه‌دران، زیرافکن و نهفت هنوز هم جزء دستگامه‌های موسیقی ایران باقی مانده است ولی با همه این احوال چنانکه اشاره شد بهیچوجه معلوم نیست که آهنگ‌های امروزه همان الحدی دوره ساسانی باشد. مشهور است که باربد بربط را خوب می‌نواخته.

این ساز همان تار است که چون شبیه بسینه بطیامرغابی بوده باین اسم نامیده شده و از مصرع چو باد ارغج باد آورد رانندی معلوم میشود که باربد در ذوات الفخ یعنی اسبابهای بادی نیز دست داشته و ماهر بوده است. دیگر از موسیقی‌دانهای این دوره نکیسامی باشد که در نواختن چنگ ماهر بوده است و حتی بعضی تصرفات در تقطیع الحدی را نیز بوی نسبت داده‌اند، چنانکه نظامی می‌گوید:

نکیسانام مردی بود چنگی ندیم خاس خسرو بی درنگی
ز چنگ آواز موزون او بر آورد غنارا رسم تقطیع او در آورد
دیگر از نوازندگان این دوره، بامشاذ، رامشین (و یا رامین) و آزادوار چنگی است که آنها نیز از مغنیان و رامشگران دوره خسرو پرویز بوده‌اند. خلاصه صرف نظر از تجمل و شکوه و اهمیت دربار ساسانی و خوشگذرانی

و عشرت طلبی پادشاهان، آنچه بزرگترین دلیل براهمیت و توسعه موسیقی در این دوره بوده دو موضوع زیر است که رونق و اعتبار آنها بخصوص در اواخر عهد این سلسله بیشتر مدلل میسازد:

۱ - مزدک در اصول دین خویش چنین میگوید: خداوند آسمانها مانند پادشاهی بر تخت خود نشسته و چهار قوه یعنی شعور، عقل، حفظ و شادی در پیش او ایستاده اند و این چهار قوه بدستکاریشش وزیر امور عالم را اداره میکنند و وزیرها در میان دوازده روح در حرکت اند که یکی از این از ارواح خواننده است. قوه شادی که نماینده موسیقی است در نظر مزدک مانند سه قوه دیگر اهمیت داشته و این موضوع بی شک بر اثر اهمیت موسیقی در دوره ساسانی است که در روح مزدک نفوذ کرده و او را مجبور ساخته است که در دین خویش برای این طبقه مقامی راقائل شود، همچنانکه پادشاهان ساسانی برای نوازندگان و سراینندگان مرتبه خاصی قائل شده و احترام زیادی بآنها میگذارند.

۲ - عربها بعد از فتح ایران موسیقی آنها عیناً اختیار کردند و در مدت کوتاهی بطوری پیشرفت نموده اند که مابین آنها نوازندگان و خوانندگان زیادی پیدا شده در حالیکه قبلاً گفتیم از این هنر عاری بودند و علت پیشرفت آنان در این قسمت تشویق و بخصوص اعتبار و احترام زیادی بود که نوازندگان و خوانندگان در دربار خلفا داشتند.

راجع به سازهاییکه در دوره ساسانیان معمول بوده آنچه از کتب بر میآید وجود نای، غزک یا غیزک، رباب، بربطو چنگ است که غالب اینها هنوز هم با اندک تغییری متداول می باشد ولی نمونه چنگ را در یکی از حجاریهای طاق بستان نزدیک کرمانشاه می توان مشاهده کرد، در این نقش معلوم میگردد که شاه و همراهانش در مردابی مشغول شکار میباشند و زنهای چنگ زن در قایقی نشسته و بالبحان موسیقی و سائل خوشی آنها را فراهم میاورند.

در خاتمه این قسمت بار دیگر متذکر میگردم که صرف نظر از کمی آثار در این باره، محققین غرب و شرق کمتر در باره موسیقی ایران تحقیق کرده‌اند و اگر چند نفری هم یافت شوند متأسفانه تنها بذکر نکات تئوریک پرداخته و از تجسس مطالب علمی صرف نظر کرده‌اند.

از ترجمانی زاده

سخنی چند در باره دانش و هنر ایرانیان

سهم و بهره ایران در تمدن اسلام یکی از مباحث بسیار مهم و وسیع تاریخی است زیرا که ایرانیان هنرمند و هوشیار بانواع مختلف در رشته‌های گوناگون تمدن اسلامی آثاری برجسته و شگفت‌انگیز داشته‌اند، بنابر این ما در این مقام فقط بتائیرات علمی و ادبی ایران در تمدن اسلام میپردازیم و پیدا است که این رشته نیز سردراز دارد زیرا که تجلیات روحی و معنوی مردان دانشور این سرزمین بحدی است که در این مختصر شرح و بیان آن امکان پذیر نیست؛ گر این جمله را سعدی املا کند مگر دفتر دیگری انشاء کند.

درباره این مطلب که ایرانیان در بنای کاخ بلند و باشکوه تمدن اسلامی چه نقش مهمی بازی کرده و چه سهم بزرگی داشته‌اند مورخین و نویسندگان قدیم و جدید مقالات متنوع و سخنان بسیار گفته‌اند از جمله مورخ محقق و فیلسوف اجتماعی بزرگ ابن خلدون در کتاب نفیس و مشهور خود فصلی را بهمین موضوع اختصاص داده است و ارباب بصیرت و مطلعین بر حقائق تاریخی درخشنده‌ترین عصر تمدن اسلامی را که زمان هارون و مامون باشد دوره حکمت ایرانی میدانند زیرا که هر حکومت و دولتی در هر دوره باقتضای محیط و ظروف زمانی و مکانی باید بر سه قوه عامله متکی باشد:

۱- نیروی بیان و قلم برای اداره امور دولتی و ثبت و ضبط دفاتر و کارهای